

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

شمی صلواتی
۲۵ دسمبر ۲۰۲۲

آشنائی با حمید ابراهیم پور

شروع دوازدهمین اکسیون است. هوا سرد ۱۰ درجه زیر صفر، می زد به استخوان. به طرف حمید ابراهیم پور رفتم. که برای پرچم آبی چوب خریده بود. با حمید در اولین اکسیون «صدای انقلاب ایران را بشنوید» آشنا شدم. جمعیت چشمگیر بود و من از این که ایرانیان به فراخوان های ما جواب مثبت داده اند خوشحالم با این وجود نگرانی که در وجودم بود نمی توانستم پنهان کنم، نگرانی از مشکلات غیر قابل پیش بینی، نگرانی از افرادی که بخواهند برنامه ما را مختل کنند و نگذارند صدای انقلاب ایران در این شهر (کسل-المان) دلنشین شنیده شود. سیامک مجری برنامه هیجان خود را از وضعیت پیش آمده در ایران، نمی تواند پنهان کند. چهار چشم همه چیز را زیر نظر گرفتم. حمید ابراهیم پور روی استیج رفت، به معرفی خود و اعدام برادرش در دهه شصت و فعالیت های سیاسی و اتفاقات پیش آمده در زندگیش پرداخت. آن روز سخنرانان زیادی داشتیم. برای هر کدام چهار دقیقه وقت تعیین کرده بودیم و سخنرانان با درد و خاطرات تلخ سخنرانی را ادامه می دادند گاهی سخنرانی ها بیشتر از وقت تعیین شده طول می کشید سخنرانی ها دردناک بود بازگویی تاریخ شفاهی اتفاقات تلخ بعد از انقلاب ۵۷ بود. اما رزمنده و مصمم و امیدوار به آینده، به سرنوشت جمهوری اسلامی و آینده ای روشن. انگار من در لابلای ورقهای این تاریخ گم شده بودم. واقعا گم شده بودم. پریشان و دل گرفته، اما با باوری قوی از امید به فردا، حمید ابراهیم پور به من نزدیک شد با صمیمیت خاصی گفت درود بر تو پیرمرد، نگاهش کردم و گفتم چرا؟ کاری خاصی نکردم در جواب گفت همین که در کنار این جوانان قرص و محکم ایستادی به آم انرژی می دهد. قشنگ است. حمید در اکسیون دوم، مقدار زیادی ماسک پارچه ای با آرم مهسا امینی آورده بود. تا آن را میان حاضران اکسیون بخش کنیم من و سیامک به او گفتیم خودت می توانی آنها را در بین مردم پخش کنی و او نیز همین کار را انجام داد که مورد استقبال قرار گرفت.

ما موافق شدیم تا به حال در طول این سه ماه انقلاب در ایران ۱۲ اکسیون در دفاع از انقلاب ۱۴۰۱ در شهر کسل - المان برگزار کنیم که حمید ابراهیم پور فعالانه دخیل شده و سخاوتمندانه ما را همراه کرده است. من و حمید از لحاظ سیاسی به هم نزدیکتر شدیم. رفیق شدیم. صمیمی هستیم و هر دو در این اکسیونها فعالیم.....

حمید ابراهیم پور به طور جدی حامی و جسور در فعالیتهای سیاسی ما ایرانیان شهر کسل است. جمعیت بیشتر از هفته قبل است. مردی گاهی به من گوشزد می کند "پیرمرد لازم نیست اکسیون را طولانی تر کنید. یک ساعت کافی است. هوای همسن و سالان خود را داشته باش". توجه نمی کنم به دنبال دعوت از جوانان برای گرفتن میکروفون هستم .

لازم به یاد آوری است برادر دوم حمید ابراهیم پور نیز در سال ۱۳۶۵ در یک گروه یازده نفره که عازم عملیات نظامی در کردستان بودند در کمین اتحادیه میهنی کردستان عراق افتادند. فقط یکی زنده ماند. یعنی ده نفر از آنها از جمله برادر حمید جان باختند .

حمید یک دوره طولانی را با مجاهدین طی کرده است. ولی با نقد جدی از سازمان مجاهدین، امروز علی رغم خستگی از رنجهای زندگی، فعال است یک انسان آزادیخواه و برابری طلب، انسان گرا، سخاوتمند و گشاده رو. شایسته بیشترین احترام است.

۲۴ دسمبر ۲۰۲۲ میلادی "شمی صلواتی"